

خلاصه تدبیر در سوره فسطاط (بقره) جلسه - ۷۶

تا به حال دو فصل را جمع‌بندی کردیم در فصل اول خدا بیان کرد که ایمان به قرآن ضروریست و تنها راه نجات و فلاح است اگر کسی از ایمان به قرآن دست بردارد و در حقیقت از خداپرستی رویگردان شود دچار کفر و فسق شده است. فصل اول بر این خیال خط باطل کشید که خداوند دین و ایمانی را از اهل کتاب بپذیرد بدون ایمان به قرآن و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم.

در فصل دوم خداوند اهل کتاب یعنی بنی اسرائیل را مورد خطاب قرار می‌دهد که از تاریخ عبرت بگیرید و به قرآن و پیامبر اسلام ایمان آورید تفکیک بین پیامبر و قرآن و دین را نمی‌پذیریم در پایان فصل خداوند اشاره به قساوت قلب می‌کند که مانع از قبول حق می‌شود که ریشه در حب عجل یعنی حب به دنیا دارد.

فصل سوم از سیاق ۱۱ از آیات ۷۵ تا ۸۲ آغاز می‌شود در فصل ۳ خداوند می‌خواهد خطاب به جامعه ایمانی یعنی مخاطب مسلمین و مومنین به پیامبر و قرآن بفرماید ای مسلمانان آیا طمع دارید بنی اسرائیل دین شما را بپذیرند در اصل می‌خواهد آب پاکی به دست مسلمانان بریزد گرچه بعضی افراد آنها ایمان آوردند ولی ایمان آوردن جریانی و گروهی بنی اسرائیل را می‌گوید، که کاری کردند که نمی‌شود انتظار داشت این‌ها ایمان گروهی و جریانی بیآورند گروهی از ایشان کلام خدا را می‌شنوند و تحریف می‌کنند و می‌دانند که دارند تحریف می‌کنند این‌ها در مقابل مومنان می‌خواهند خود را مومن جلوه دهند ولی در خلوت شیطانی خود می‌گویند ایمان ندارند .

می‌خواهد بگوید این‌ها دست به تحریف شده‌اند و قرار بود به کتاب‌های خود مراجعه کنند و بگویند در کتاب‌های ما نشانه‌های پیامبر آمده است . حالا که تصمیم گرفتند که ایمان نیاورند دست به قلم شده‌اند و دارند کتاب‌های خود را تحریف می‌کنند در مورد آیاتی که درباره حقایق قرآن و پیامبر آخر الزمان خبر می‌داد و حال که می‌خواهند مستندات را و آیات و نشانه‌های حقایق این‌ها را از بین ببرند دیگر امیدی نمی‌توان داشت به ایمان آوردن جریانی این‌ها پس برای همین می‌گوید امیدی به ایمان آوردن این‌ها نداشته باشید.

سپس می‌گوید این‌ها دو گروه هستند گروهی تحریف می‌کنند و گروهی آدم‌های امی هستند که علم کتاب ندارند و از کتاب جز یک سری آرزوهای باطل و دور و دراز ندارند و حرف همان تحریف کنندگان خائن را گوش می‌کنند پس قرآن می‌فرماید وبل یعنی وای بر خائنانی که تحریف می‌کنند و چیز دیگری جای آن می‌نویسند و می‌گویند این از جانب خداست تا چند روز بیشتر در این دنیا به ریاست خود ادامه دهند . این شقاقی که بنی اسرائیل ایجاد کردند خیانت اعظم و بزرگترین خیانت اسلام است چون قرار بود اهل کتاب به استقبال پیامبر بیایند و با رهبری پیامبر برای توسعه حق و عدالت در جهان اقدام کنند چیزی که این‌ها را در تحریف جسور کرد و آن پشتوانه این بود و قالو لن تمسنا النار الا ایاما معدودات (آیات ۸۰ تا ۸۲ بقره) چون به خود گفتند ما قرار نیست هیچ وقت جهنمی شویم چرا چون اهل کتابیم و اگر جهنم برویم بیش از چند روز در آن نمی‌مانیم چرا چون اصل اعتقادمان درست است و چند تا عمل من خراب است و چند روز بیشتر در جهنم نمی‌مانم.

این هشدار برای من و شماست که منتظر امام زمان هستیم مثل اهل کتاب که منتظر پیامبر آخر الزمان بودند ولی وقتی مبعوث شد به او ایمان نیاورده و و نشانه‌های حقایق او را از کتاب‌ها پاک کردند و گفتند ما که چند روز بیشتر جهنم نمی‌رویم پس چرا باید سیادت خود را از بین ببریم . ما هم مراقب باشیم چنین تفکر باطل در درون ما رخنه نکند که رخنه هم کرده است. هیچکس چنین تعهدی از خدا ندارد که او را به جهنم نبرد و کسی تعهد دارد که به عهد خود با خدا یعنی ایمان به حق و ولی الله و ایستادن در رکاب او برای مقابله با ظلم و فساد آماده باشد.

سیاق ۱۱ جمع‌بندی با وجود محرفانی که دانسته تورات را تحریف می‌کنند و ناآگاهانی که با چشم و گوش بسته از آنها پیروی می‌کنند دیگر امیدی به ایمان آوردن بنی اسرائیل به پیامبر نیست وای بر این‌ها .

سیاق ۱۲ (آیات ۸۳ تا ۸۶ سوره بقره) خداوند مطلب را با یادآوری عملکرد این‌ها در دوران معاصر قرآن نسبت به میثاق الهی ادامه می‌دهد از بنی اسرائیل میثاق گرفتیم و اذ اخذنا میثاق بنی اسرائیل میثاق بنی اسرائیل لا تعبدون الا الله و بالوالدین احسانا و ذوی القربی و الیتاما و المساکین و قولو للناس حسنا و اقموا الصلاه و آتو الزکات ما از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که به جز خداوند کسی را نپرستید و به والدینتان احسان کنید و خویشان را یتیمان بیچارگان و همچنین با مردم به خوبی صحبت سخن گویند نماز را به پا دارید و زکات بدهید. در این آیه از میثاق الهی که با بنی اسرائیل گرفته شده سخن می‌گوید آنها از این میثاق الهی

رویگردان شدند به جز گروه اندکی و حالا نمونه‌ای از اعراض میثاق الهی را در دوره معاصر نشان می‌دهد: ببینید خود شما درباره میثاق الهی چه می‌کنید از شما میثاق گرفتیم که خون همدیگر را نریزید و حالا قرآن می‌فرماید خدا را شاهد می‌آورد و ثابت می‌کند که شما بر خلاف ادعایتان که با قرآن و پیامبر مشکل دارید بلکه شما با پیامبر و کتاب خودتان هم مشکل دارید در واقع این مشکل با کتاب و میثاق خودتان است که الان قرآن و پیامبر را نمی‌پذیرید شما همان‌هایی هستید که همکیشان خود را می‌کشید و خون آنها را حلال می‌شمردید و یا آنها را از شهر و دیار خود بیرون می‌کنید همه این‌ها از کجاست؟ و همان‌ها را که از دیار بیرون می‌کنید به بردگی می‌گیرید چطور به کتاب خود در مورد اخراج بی‌اعتنا هستید و بعد در موقع به بردگی گرفتن این‌ها به کتاب استناد می‌کنید.

در واقع این‌ها دنیا را گرفتند و آخرت را فروختند.

خوب جمع‌بندی این سیاق: عدم پابندی بنی اسرائیل به میثاق و کتاب خودشان به خاطر حب دنیا و ترجیح آن بر آخرت است.

پس در فصل سوم اینطور گفتیم: من هرچه گفتمی بود به بنی اسرائیل گفتم ای مسلمان‌ها شما منتظر ایمان آوردن آنها نباشید چون تاریخ اسلام تا جایی صبر کرده تا بنی اسرائیل به اسلام ملحق شوند و یک جبهه واحد شکل بگیرد برای برپایی قسط و عدل جهانی و این صبر زمانی دارد و الا همه کارها روی زمین می‌ماند.

سیاق ۱۳ فصل سوم (آیات ۸۷ تا ۹۱ بقره) ولقد آتینا موسی الکتاب و قفینا من بعده بالرسول و آتینا عیسی بن مریم... ای نمک شناس‌ها آیا قرار است هرگاه پیامبری برای شما آمد و مورد پسند شما نبود گروهی را تکذیب می‌کردید (یعنی در گذشته) و گروهی را می‌کشید (یعنی الان) یعنی چون نیت قتل پیامبر را داشتند و قاتل قلبونا غلف منظور در اینجا این است که می‌گویند آنقدر ایمان ما محکم است شبهات در قلب ما اثر نمی‌کند بل لعنهم الله به کفرهم.. از اینجا لعنت‌ها شروع می‌شود به خاطر یک چنین خیانت بزرگی باید کتاب‌ها نوشته و روضه‌ها خوانده شود به خاطر سنگ بنای کجی که در نبوت گذاشتند کتابی از جانب خدا آمد که حقانیت آن ثابت بود و منتظرش بودند پس لعنت خدا بر کافران و بر کسانی که بر حقانیت کتاب آگاه بودند و آن را پشت سر گذاشتند و چه بد چیزی بود که خود را به آن فروختند بخاطر حسد کوری که در قلبشان بود نمی‌توانستند تحمل کنند که قرآن بر کسی غیر آنها نازل شده باشد پس مشمول غضبی بالای غضب دیگر شدند و غضب خدا را بر جان خریدند.

و اذا قيل لهم آمنوا بما انزل الله.. وقتی که می‌گوییم به آنها که ایمان آورید به آنچه که خدا نازل کرده می‌گویند بلکه ما ایمان می‌آوریم به آنچه که بر خود ما نازل شده باشد شما در طول تاریخ هم کم پیامبر نکشتید چه ادعای ایمانیت که پیامبر کشی می‌کنید.

خب حالا در این سیاق چه گذشت؟ گفتیم که مقاومت معاندانه بنی اسرائیل در برابر ایمان به قرآن به رغم علم به حقانیت آن به دنبال سیره استکبار و تکذیب و قتل انبیا در طول تاریخ نشان می‌دهد این‌ها حتی به کتاب‌های خود هم ایمان ندارند.

سیاق ۱۴ (آیات ۹۲ تا ۹۸) در این سیاق باز خداوند سراغ بنی اسرائیل می‌رود و یادآوری می‌کند زمانی را که حضرت موسی با بیانات به سراغ آنها آمد و این‌ها گرفتار عجل شدند و اذ اخذنا میثاقکم و رفعنا فوقکم الطور... به یاد آورید زمانی را که میثاق گرفتیم و طور را بالای سر شما گرفتیم و گفتیم آن را به شدت بگیرد... این زمان حضرت موسی بوده و بعد فرمودند واسمعوا یعنی زمان حال است یعنی بشنوید این مطلب رو بنا بوده کتاب خود را محکم بگیرید و بنا نبوده به کتاب خود پشت کنید: قالو سمعنا و عصینا یعنی ما قبول نداریم که لازمه ایمان به تورات و موسی علیه السلام ایمان به قرآن و پیامبر اسلام باشد چرا؟ چون همچنان همان فرهنگ عجل و گوساله پرستی و شتاب زدگی در کامجویی از دنیا و ترجیح مادیات به معنویات در این‌ها وجود دارد بگو چه بد ایمانی دارید و ما می‌دانیم دلیلش چیست؟ شما فکر می‌کنید آخرت مال شماست و مال دیگران نیست اگر راست می‌گویید مرگ را طلب کنید ولی آنها ابداً طالب آخرت نیستند به خاطر اعمال خودشان و از مشرکان به دنیا حریص‌تر هستند این‌ها آرزوی عمر هزار ساله دارند به امید اینکه از عذاب رهایی پیدا کنند.

این دنیا گرایان افراطی منطقی برای خود چیدند که ما جهنم نمی‌رویم پس باعث شده که با جبرائیل که آیات هشدار و تهدید نازل می‌کند جبهه بگیرند قل من جبرئیل فانه نزله علی قلبک باذن الله پس می‌گوید این‌ها حالا دیگر نمی‌خواهند بگویند تو پیامبر نیستی بلکه می‌خواهند بگویند او پیامبری است که جبرئیل بر او نازل می‌شود که ما او را دشمن می‌دانیم پس نقطه عنادی رسمی با پیامبر پیدا کردند یعنی پیامبر شومی هستی که جبرئیل نازل می‌شود و او فرشته‌ای نیست که ما قبول داشته باشیم (این‌ها می‌گویند میکائیل فرشته رحمت است و ما را و عده به بهشت الهی داده) بگو جبرئیل که قرآن را نازل کرده مایه هدایت و بشارت شماست، شما هستید که آیاتی که آیاتی که غضب در مورد خودتان را بیان می‌کند آیات الهی می‌دانید هر کس آیات را بگیرد و به هدایت برسد به بشارت می‌رسد هر کس دشمن پیامبر و جبرئیل و میکائیل باشد به هدایت نمی‌رسد (البته این‌ها با میکائیل دشمن نیستند ولی دشمنی با جبرئیل همان دشمنی با میکائیل است).

جمع‌بندی فصل در سیاق ۱۴ در این سیاق مشخص شد حب عجل یعنی دنیا گرایی و خیال آسوده از از عذاب و دشمنی با جبرئیل عوامل مقاومت معاندانه بنی اسرائیل در مقابل قرآن و اسلام است بنابراین همه سیاق‌های این فصل به یک نقطه برمی‌گردد و آن این است : افتطمعون...